

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال ششم، شماره بیست و سوم، تابستان ۱۳۹۳

ص ص ۶۴ - ۴۵

بررسی شاخص سلامت، سرمایه اجتماعی و کنش‌های

مشارکت‌جویانه سالمندان در شهر اهواز

دکتر عبدالرحیم اسداللهی<sup>۱</sup>

دکتر علی اسمعیلی<sup>۲</sup>

دکتر لاله فانی‌صابری<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۷/۲

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۴/۱۲/۲۳

چکیده

سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن مانند کنش‌های مشارکت‌جویانه و رفتاری داوطلبی می‌تواند در زمینه شاخص سلامت و رفتارشناسی سالم سالمندان حائز اهمیت باشد. با تکنیک پرسشنامه با استفاده از ساخت و مدل نظری استون (۲۰۰۱) به مطالعه کنش‌های مشارکت‌جویانه سالمندان در سال ۱۳۹۴ پرداخته که تعداد ۱۹۴ سالمند منطقه ۷ شهرداری اهواز به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای در دو گروه آزمایشی (با سابقه کنش‌های داوطلبانه) و گروه گواه (بدون سابقه کنش‌های داوطلبانه) به تساوی انتخاب شدند. یافته‌های بررسی نشان داد بین دو حوزه مفهومی مشارکت از مولفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی یعنی ساختار روابط (شبکه‌ها) و کیفیت روابط (هنجارها) با کنش‌های داوطلبانه سالمندان گروه آزمایش رابطه معنادار وجود داشته که این ارتباط با متغیرهای فرعی زمینه‌ای بررسی مثل جنسیت، جدایی از فرزندان، سن به ویژه باشاخص رفتار سالم اثرگذارتر بود. بی‌اعتمادی اجتماعی به نهادها، کاهش مشارکت اجتماعی و افت مولفه‌های سرمایه اجتماعی با کاهش شاخص رفتار سالم و آگاهی اجتماعی همراه بود. ولی در مجموع سرمایه‌گذاری در ایجاد و تقویت متغیرهای امیدبخش سرمایه اجتماعی برای سالمندان در نگرش آن‌ها به پایانی اثربخش برای زندگی اجتماعی فردی خود و کسب اعتماد به نفس افزون‌تر و بازخورد مطلوب برای زندگی حتماً موثر خواهد بود.

واژگان کلیدی: سالمندان اهوازی، سرمایه اجتماعی، رفتار داوطلبی و شاخص سلامت.

مقدمه و بیان مسأله

انباشت سرمایه اجتماعی و به تبع آن کنش‌های دیگرخواهانه و داوطلبانه شهروندی در جامعه ایران که بر اثر تاریخی پرآشوب و استبدادی مجال کافی برای تمرین دموکراسی و بسط حوزه عمومی نداشته، با مشکل مضاعفی

E-mail: a.asadollahi@hotmail.co.uk

E-mail: ali\_esmaily2003@yahoo.com

E-mail: saberi.fani.l@mums.ac.ir

۱. دکترای سلامت سالمندی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز - ایران (نویسنده مسئول).

۲. دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه جامع علمی کاربردی تهران - ایران.

۳. دکترای بهداشت خانواده، دانشگاه علوم پزشکی مازندران - ایران.

رو به رو است. در واقع مقاطع مختلف تاریخ ایران، فرصت‌هایی برای ایجاد و به فعلیت درآمدن این کنش‌ها بوده است که با وجود ظهور و بروز مقطعی آن‌ها، انباشت مستمری از این سرمایه که منجر به فرایند موثر و پایداری از توسعه در جامعه شود؛ به سختی قابل بازشناسی است. امروزه جامعه ایران در ابعاد وسیعی شاهد فردگرایی منفی و غیرعقلانی است. علایم این بحران را در گره‌های کور ترافیکی، تقلب‌های مالیاتی و رشد شاخص‌های ضد سرمایه اجتماعی می‌توان به روشنی دریافت (خاندوری، ۱۳۸۲: ۷۳). پژوهش‌های اخیر در خصوص ظرفیت سرمایه اجتماعی و ارزش‌های مشارکت‌جویانه در جامعه ایران نیز مؤید چنین فرضی است (رک: متوسلی و دیگری، ۱۳۸۲؛ تاجبخش و همکاران، ۱۳۸۲ و شارع پور، ۱۳۸۰).

در حالی که نگرش اخلاقی نسل‌های آینده با ایجاد توازن بین منافع خود و دیگران مرتبط است و رشد اخلاقی جامعه در گذر از خودخواهی به دگرخواهی و درک صحیح شهروندی معنی می‌شود؛ فردی شدن، استقلال‌طلبی، خرد خرد شدن هویت، غیرخطی شدن مسیر گذار، تغییر اولویت و اهمیت مولفه‌های آن و کیفیت و میزان سرمایه اجتماعی که ایرانیان به عنوان یک گروه اجتماعی از آن برخوردارند؛ نقش مهمی در مرزبندی‌های آن‌ها از عرصه خصوصی و عمومی به دنبال آن، کنش شهروندی آنان دارد (دکایی، ۱۳۸۲: ۷). این پژوهش در پی آن است تا بر اساس مباحث نظری مربوط به سرمایه اجتماعی، چارچوب مفهومی استدلالی را پی‌ریزی کند که مبتنی بر تمایز مفاهیم داوطلبی از سرمایه اجتماعی و تلقی پیامدی از رابطه این دو، تاثیر و نقش این سرمایه را در ارتباط با کنش‌ها و گرایش داوطلبانه سالمندان اهوازی توضیح داده و به این سوال پاسخ دهد که آیا بهرمندی از سطوح تفاضلی سرمایه اجتماعی می‌تواند تبیینگر تفاوت گرایش‌ها و رفتارهای داوطلبانه این سالمندان باشد؟

### بیان موضوع

برای جوانان آتن در دوره سقراط هیچ چیز به اندازه این مسأله مهم نبود که بدانند فضیلت چیست؟ و بهترین حکومت کدام است؟ سوفسطائیان عقاید آن‌ها را درباره خدایان المپ خراب کرده بودند. در نتیجه عقاید آنان در خصوص اخلاق نیز سست شده بود. چرا که قسمت عمده ضمانت اجرای آن ترس از خدایان بی‌شماری بود که همه جا حاضر و ناظر بودند. طرفداری از منافع شخصی، اخلاق مردم آتن را تا حد نابودی برد؛ تا جایی که شهر طمعه اسپارتیان خشن شد (دورانت، ۱۳۸۰: ۱۰). بنیان‌های نوین اخلاق جامعه و مسأله نظم و صلح همان قدر که دغدغه سقراط بود؛ توسط شاگردان وی نیز پیگیری شد. افلاطون «جمهوری» را مطرح کرد که در آن دوگانگی اخلاق فرد و حکومت رد شده بود. وی معتقد بود که حکومت شبیه افراد خود است و به این نتیجه رسیده بود که مطالعه و تحقیق درباره مسأله اخلاق به عنوان جزئی از ساختمان اجتماعی بهتر و آسان‌تر از آن است که مانند یک صفت شخصی مورد مطالعه قرار گیرد. «اگر ما بتوانیم جامعه درستی را توصیف کنیم، توصیف یک فرد درست، برای ما بهتر و آسان‌تر خواهد بود» (همان منبع، ۱۳۸۰: ۱۰). در فلورانس قرن ۱۶ که بازتاب

تاریخ بی‌ثباتی نهادهای جمهوری اعصار باستان و نیز ایتالیای عصر رنسانس بود؛ نیکلو ماکیاولی و چند تن از معاصرینش به این نتیجه رسیدند که موفقیت یا شکست نهادهای آزاد به ویژگی شهروندان یا فضیلت‌شان بستگی دارد (پاتنام، ۱۳۸۰: ۱۵۵).

این مکتب جمهوری‌خواهی انسان‌گرایان مدنی، بعدها مغلوب اندیشه هابز، لاک و جانسینان لیبرالشان شد. در حالی که جمهوری‌خواهان بر جامعه و تعهدات شهروندان تأکید می‌کردند؛ لیبرال بر فردگرایی و حقوق فردی تأکید داشت. پاتنام معتقد است که در سنت جمهوری‌خواهی مدنی، شهروندان می‌بایست قادر به فاصله‌گذاری کافی بین تقاضای خاصگرایانه خود و دیگران باشند؛ تا توانایی برخورد عینی با خواسته‌های خاصگرایانه دیگران را داشته باشند. اشتراک در هویت مشترک شهروندی با هویت انفرادی افراد به عنوان اعضاء گروه‌های قومی یا فرقه‌ای دیگر فرق می‌کند. بر این اساس، والزر (۱۹۸۰) علاقمندی به مسائل عمومی و دلبستگی به اهداف عمومی را علایم اصلی فضیلت مدنی می‌داند و کسانی چون میلر (۱۹۸۹) تعهد به پیشبرد خیر جمعی را شرطی برای شهروندی می‌شناسند (ذکایی، ۱۳۸۰: ۶۹).

این مجادلات بین فلاسفه سیاسی در دوره معاصر متأثر از رهیافت جدیدی در علوم سیاسی تجربی شد که مطابق کارهای گاربریل آلوموند و سیدنی وربا<sup>۱</sup> برای درک تفاوت‌های موجود در عملکرد حکومت‌های دمکراتیک شکل گرفت و باز هم به فضیلت‌های شهروندان نظر داشت. این رهیافت الهام‌بخش رابرت پاتنام در پژوهش تجربی ۲۰ ساله‌ای شد که توسعه‌ی تئوری سرمایه‌ی اجتماعی را به شکل امروزی آن در پی داشت و هنوز هم در حال تکوین است.

### تئوری سرمایه اجتماعی پاتنام

توسعه تئوری سرمایه‌ی اجتماعی بیش از هر چیز وامدار کارهای پژوهشی رابرت پاتنام است. موضوع پژوهش وی، در آغاز بررسی عملکرد نهادهای حکومتی محلی در مناطق مختلف ایتالیا بود. پاتنام برای پاسخ به این سوال که «چه چیزی باعث تمایز بین مناطق موفق شمال از مناطق ناموفق جنوب یا حتی باعث تمایز آن‌ها از مناطق کمتر موفق داخل هر بخش می‌شود؟» دو فرض اول را مطرح می‌کند: یکی تاثیر مدرنیته‌ی اجتماعی - اقتصادی و دیگر وجود جامعه‌ی مدنی یعنی الگوهای مشارکت مدنی و همبستگی اجتماعی یافته‌های پژوهش، فرض اول را تایید می‌کند. اما بررسی بیشتر محدودیت‌های این تفسیر را آشکار می‌کرد: «در مناطق فقیر حکومت‌ها مدام عملکرد سطح پایین داشته‌اند. اما تفاوت‌های آشکار در عملکرد درون هر بخش بر حسب توسعه‌ی اقتصادی کاملاً غیرقابل توصیف بود. بنابراین باید گفت که ثروت و توسعه اقتصادی نمی‌تواند تمام داستان باشند» (پاتنام، ۱۳۸۰: ۱۵۴).

فرض دوم این بود که موفقیت یک حکومت دمکراتیک به درجه‌ی نزدیک شدن محیطش به ایده‌آل «جامعه‌ی مدنی» بستگی دارد. این رابطه (رابطه مدنی و عملکرد نهادی) چنان قوی است که وقتی ما

<sup>1</sup> Almond & Verba, 1963

«مدنیت» یک منطقه را در محاسبات وارد می‌کنیم؛ رابطه پیش‌گفته بین توسعه اقتصادی و عملکرد نهادی کاملاً محو می‌شود (همان: ۱۷۴). هنگامی که مشخص شد مهم‌ترین عامل در توضیح حکومت خوب، درجه نزدیکی زندگی اجتماعی و سیاسی یک منطقه به ایده‌آل جامعه‌ی مدنی است؛ سوال بعدی آن بود که «چرا بعضی از مناطق از دیگران مدرن‌ترند؟» برای پاسخ به این سوال پاتنام در ابتدا به سراغ تاریخ می‌رود و دست به مطالعه تبارشناسی جامعه‌ی مدنی در ایتالیا می‌زند. مطالعات وی نشان می‌دهد که جامعه مدنی ریشه‌های تاریخی عمیقی دارد (همان: ۳۱۴).

اما چرا تاریخ گذشته چنین قدرتمند است؟ چرا مردم معتقدند که به گونه‌ای ناامیدکننده در چارچوب عادات و رسوم خاصی گیر افتاده‌اند؟ چه عوامل مثبتی در شمال، سنت‌های مشارکت مدنی را طی قرن‌ها از میان تغییرات شدید اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حفظ نموده‌اند؟ چه عوامل منفی در جنوب بهره‌برداری از آن و وابستگی‌اش را بازتولید می‌کنند؟ در پاسخ به این سوالات بود که وی به منطق عمل جمعی و مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی روی می‌آورد. به نحوی که از آن به بعد تحقیق وی «صرفاً هدف مطالعه ایتالیا را دنبال نمی‌کند، بلکه این رهیافت، دیدگاه‌های انتخاب تاریخی و عقلانی را به هم پیوند می‌دهد. به گونه‌ای که می‌تواند درک ما را از زندگی عمومی و عملکرد نهادی در بسیاری از کشورها دیگر بهبود بخشد» (همان: ۴۲).

پاتنام با طرح پرسش‌های فوق خود را درگیر یک مسأله ریشه‌دار در تاریخ اندیشه می‌کند و آن تلاش برای آشتی دادن خواسته‌های فردی (نفع شخصی) و جمعی است. شهروندی در یک جامعه مدنی اول از همه با مشارکت فعال در امور عمومی مشخص می‌شود. فقدان فضیلت مدنی در «خانواده‌گرایی غیراخلاقی» تجسم یافته است که ادوارد بنفیلد<sup>۱</sup> آن را در اخلاق مسلط شهر مونترگرنو می‌داند. او در مورد این نوع اخلاق می‌گوید: «هدف به حداکثر رساندن منافع مادی و کوتاه‌مدت خانواده‌ی هسته‌ای است. چرا که فرض بر این است که دیگران نیز همین کار را انجام می‌دهند» (بنفیلد، ۱۹۸۵: ۸۵).

در این رهیافت شهروندان جامعه‌ی مدنی ملزم به نوع دوستی نیستند؛ اما در جامعه‌ی مدنی شهروندان چیزی را دنبال می‌کنند که توکویل آن را نفع شخصی درست درک شده می‌نامد؛ یعنی نفع شخصی که در متن نیازهای عمومی وسیع‌تر تعریف شده، نفع شخصی که روشنفکرانه است و نه کوتاه‌بینانه، نفع شخصی که بقایش به منافع دیگران بستگی دارد. پاتنام با نقد راه‌حل کلاسیک‌ها بر این مشکل تاکید می‌کند که معمای بغرنج عدم‌همکاری از انسان‌ستیزی ناشی نمی‌شود؛ هر چند این احساسات ممکن است به وسیله فرجام بد عدم همکاری تشدید شود (پاتنام، ۱۳۸۲: ۲۸۰).

او با استفاده از تئوری بازی نشان می‌دهد که در مواردی - از جمله در فقدان ضمانت قابل اتکاء - عدم همکاری نه تنها غیرعقلانی نیست، بلکه «عهدشکنی» می‌تواند [به زبان تئوری بازی] یک استراتژی تعادل پایدار باشد. نهایتاً وی با چیدن مقدماتی از راه‌حل‌های ارائه شده در تئوری بازی و کار برخی نهادگرایان

<sup>1</sup> Edward Banfield, 1985

جدید مثل استروم (۱۹۹۰) و ویلیامسون (۱۹۹۴) نهایتاً به راه‌حل‌های لطیف رابرت باتز (نظیر جامعه و اعتماد) رجوع می‌کند و به این نتیجه‌گیری می‌رسد که موفقیت در غلبه بر معضلات عمل جمعی و فرصت‌طلبی که در نهایت به ضرر خود افراد تمام می‌شود؛ به زمینه‌ی اجتماعی گسترده‌ای که بازی در آن انجام می‌پذیرد، بستگی دارد. [لذا] همکاری داوطلبانه در جامعه‌ای که سرمایه‌ی اجتماعی عظیمی را در شکل هنجارهای عمل متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی به ارث برده؛ بهتر صورت می‌گیرد (همان منبع، ۱۳۸۰: ۲۸۵).

نتیجه این‌که انباشت مداوم سرمایه‌ی اجتماعی یکی از بخش‌های مهم داستان حلقه‌های فضیلت ایتالیای مدنی است (همان: ۲۹۲). سرمایه‌ی اجتماعی مورد نظر پاتنام و جوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌تواند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود بخشد (همان: ۲۸۵). به این ترتیب پاتنام راه‌حل معضل همکاری جمعی را در سرمایه‌ی اجتماعی جستجو می‌کند. به همین ترتیب پاتنام از بررسی گزارش‌ها و پژوهش‌های مختلف از انجمن‌های اعتباری گردشی به عنوان نمونه‌ای از همکاری‌های داوطلبانه فراگیر، نشان می‌دهد که می‌توان از طریق استخراج منابع خارجی سرمایه‌ی اجتماعی بر مشکلات عمل جمعی فائق آمد. چرا که این انجمن‌ها از ارتباطات از پیش موجود بین افراد برای کمک به حل مشکل نقص اطلاعات و اجرا استفاده می‌کنند (همان: ۲۸۸). بررسی این مورد و نمونه‌های دیگر وی را به این نتیجه می‌رساند که همه اشکال همکاری داوطلبانه از یک منبع اصلی سرمایه‌ی اجتماعی تغذیه می‌کنند (همان: ۲۸۹).

### همکاری داوطلبانه

حجم قابل توجهی از ادبیات سرمایه‌ی اجتماعی معطوف به تاثیر داوطلبی و کنش‌های داوطلبانه به عنوان نمونه انجمن‌های داوطلبانه، روحیه داوطلبانه، روحیه داوطلبی و داوطلب‌گرایی مدنی بر سرمایه اجتماعی و پیامدهای اخلاقی و ارزشی آن بوده است. پپا نوریس (۲۰۰۱) معتقد است که تئوری پاتنام از طریق مرتبط ساختن تفکرات سرمایه‌ی اجتماعی با تفکر ضرورت انجمن‌های مدنی و سازمان‌های داوطلبانه در دستیابی به دموکراسی، مشارکت سیاسی و کارآمدی حکومت تکوین یافته است. تعدادی از جامعه‌شناسان معاصر از نتایج کارهای پاتنام ایده‌هایی را در خصوص نقش‌آفرینی سرمایه‌ی اجتماعی در کنش‌های اخلاقی اخذ کرده‌اند. اریک آسلانر (۱۹۹۹) بیان داشته که رویکرد سرمایه‌ی اجتماعی بر التزام به سایرین فراتر از توجه به منافع شخصی مان تاکید دارد و شامل یکسری ایده‌ها و نظرات درباره ارزش‌ها و روابط اجتماعی و تعهدات مدنی است (اسلاینر، ۱۹۹۹: ۴-۵).

اسلاینر معتقد است که سرمایه‌ی اجتماعی کمک می‌کند افراد مشکل عمل جمعی‌شان را که یکی از عناصر اصلی کنش اخلاقی است، حل کنند و اخلاقی‌تر عمل کرده و از سود خود به جهت خیر عمومی صرف‌نظر کنند. آسلاینر (۱۹۹۹) بر اساس مطالعه‌ای که بر روی داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی سال ۱۹۸۱ در مورد آمریکا انجام داده است؛ به این نتیجه می‌رسد که کنش‌های اخلاقی بیشتر به ارزش‌های اخلاقی و اعتماد

اجتماعی بستگی دارد. این برداشت بین ارزش‌ها و شبکه‌ها تمایز قائل می‌شود و بر آن است که مشکلات عمل جمعی بیش از هر چیز به ارزش‌های اصلی اعتماد به دیگران بستگی دارد. هر چند شبکه‌های روابط اجتماعی نیز مهم است و بیان می‌دارد که ارزش‌ها طبق تاکید دیدگاه سرمایه‌ی اجتماعی در خلاء ایجاد نمی‌شود؛ لذا بخش دیگر، شبکه اجتماعی یا ارتباطات اجتماعی است. موارد ساده‌ای چون عضو اتحادیه بودن یا ازدواج کردن باعث می‌شود افراد با هم ارتباط یابند. روابط و پیوندهای اجتماعی، حسی از اجتماع را ایجاد می‌کند که تقویت‌کننده ارزش‌های ارتقاء دهنده همکاری است (همان منبع، ۱۹۹۹: ۷).

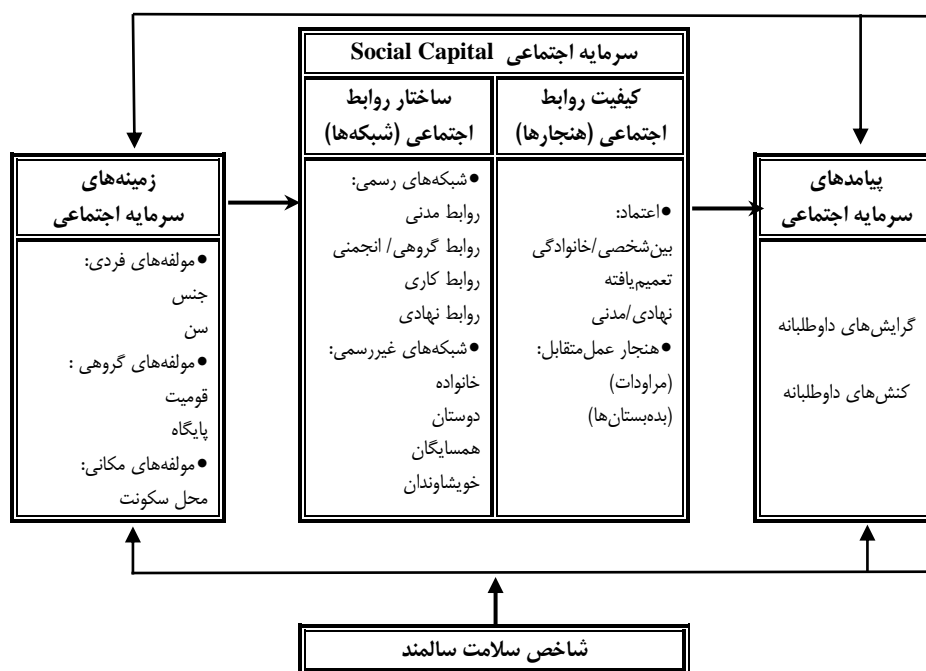
تحقیق اسلایتر در مورد آمریکا نشان می‌دهد که در کل حمایت قابل توجهی از تاثیر شبکه سرمایه اجتماعی وجود دارد و ارزش‌ها (اعتماد) و روابط اجتماعی تعیین‌کننده‌های اصلی در تایید استانداردهای اخلاقی قوی کنش هستند. پژوهش جوشوا گالپر (۲۰۰۲) نیز مبتنی بر فرضیه‌های پاتنام و دیگران در مورد سرمایه اجتماعی طراحی شده است. این مطالعه درصدد آزمایش این است که آیا سرمایه اجتماعی در امور خیریه و داوطلبی تعیین‌کننده است. گالپر مطالعه همبستگی میان کمک‌های خیریه و سرمایه اجتماعی را (همان‌گونه که پاتنام عملیاتی کرده) تایید می‌کند. در این تحقیق متغیر داوطلبی غیر قابل اتکاء دانسته شده، زیرا متغیر خیریه غیر قابل تفکیک و به شدت به آن مرتبط است. در یکی از پژوهش‌های پاتنام (۲۰۰۱) که به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و دیگرخواهی در آمریکا می‌پردازد؛ نتایج نشان می‌دهد که روند انجام اعمال نوع‌دوستانه در طول دوره مورد مطالعه (از ۱۹۲۹ تا ۱۹۹۸) از یک الگو با معنا در ارتباط با میزان سرمایه اجتماعی پیروی می‌کند و تصادفی نیست (پاتنام، ۲۰۰۱).

پاتنام می‌نویسد: «در دیدگاه ما دیگرخواهی (به معنی کار خوب کردن برای مردمان) بخشی از تعریف سرمایه اجتماعی نیست. اما حداقل در آمریکا و شاید در جاهای دیگر نتایج تجربی ثابت می‌کند که یک پیش‌بینی‌کننده بسیار قوی برای دیگرخواهی، اتصالات اجتماعی است.» نتایج کار وی نشان می‌دهد: «مردمی که خون می‌دهند، پول و اعانه (کمک‌های خیریه) می‌دهند و زمانشان را صرف کارهای داوطلبانه می‌کنند، همان کسانی هستند که ارتباطات اجتماعی بیشتری دارند.» (همان منبع، ۲۰۰۱).

او با ترسیم نقشه پهنه‌بندی سرمایه اجتماعی در آمریکا نشان می‌دهد که ایالت‌هایی که در قرن گذشته برده‌داری رواج بیشتری داشته، میزان سرمایه اجتماعی کمتر است و الگوهای مهاجرت پایدار دارای رابطه با میزان سرمایه اجتماعی است. سپس او سرمایه اجتماعی را با پیامدهای اقتصادی و اجتماعی مقایسه می‌کند و پی به رابطه قطعی میان اعمال تحصیلات بالاتر و سرمایه اجتماعی می‌برد. سرمایه اجتماعی اندکی می‌تواند میزان جرم را پیش‌بینی نماید. سلامت اجتماعی به واسطه رابطه اجتماعی قابل پیش‌بینی است. در جوامع با میزان سرمایه اجتماعی بالاتر، نابرابری مدنی و اختلاف در دستمزدها و درآمدها کمتر است. در این موارد جهت‌های علی، دوطرفه هستند. به استناد مباحث نظری و یافته‌های تحقیقی مرور شده در این پژوهش، تاثیر سرمایه اجتماعی و سایر متغیرهای زمینه‌ای در دو سطح کنش‌ها و گرایش‌های داوطلبانه سالمندان مورد

بررسی قرار می‌گیرد و با الهام از مدل نظری استون و هیوز (۲۰۰۲) گرایش‌ها و کنش‌های داوطلبانه به عنوان پیامدهای سرمایه اجتماعی در نظر گرفته می‌شود و در مدلی نظری (نمودار ۱) که تاثیر متغیرهای زمینه‌ای در سه سطح پارامترهای فردی، گروهی و مکانی را در نظر می‌گیرد؛ تحلیل گردیده است.

نمودار (۱): مدل نظری تحقیق



### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش رهیافتی کمی و تجربی داشته و مبتنی بر منطق فرضیه آزمایی از طریق تحلیل آماری است که در آن پدیده‌ها بر حسب تعاملی که با سایر متغیرها دارد؛ تبیین می‌شوند. استراتژی روش‌شناختی پژوهش، مبتنی بر استفاده از طرح تحقیق ترکیبی از دو روش، علی‌مقایسه‌ای برای بررسی متغیر داوطلبی در سطح کنشی و روش پیمایش مقطعی عرضی برای شناخت و بررسی گرایش‌های داوطلبانه افراد و تاثیرگذاری عوامل زمینه‌ای موثر در هر دو سطح است. جامعه آماری این تحقیق کلیه سالمندان شهر اهواز در پاییز ۱۳۹۴ است که با نمونه معرفی از ۹۷ نفر از سالمندان این شهر که با روش طبقه‌بندی تصادفی متناسب با حجم نمونه‌گیری شدند (دلاور، ۱۳۸۰: ۱۲۵). از طرف دیگر در سطح کنشی، نمونه‌ای ۹۷ نفری

<sup>1</sup>. Stone & Hughs, 2002

از سالمندان حاضر و فعال که در موسسات خیریه مدنی مذهبی داوطلب شده بودند؛ با روش گلوله برفی شناسایی شدند. آن‌ها با نمونه تصادفی هم حجم از سالمندان غیرداوطلب مقایسه شدند. در مجموع کل نمونه آماری ۱۹۴ نفر بودند (همان منبع، ۱۳۸۰: ۴۰۲).

متغیر داوطلبی (در سطح ذهنی) با یک سازه ترکیبی از ۱۱ و ۷ گویه پنج درجه‌ای از نوع لیکرت سنجیده می‌شود. به منظور تشخیص و تعیین گویه‌های مناسب و پایدار در طیف لیکرت معمولاً از ضوابط درونی برای تشخیص پایدار مناسب بودن گویه‌ها استفاده می‌شود (رفیع‌پور، ۱۳۸۰: ۲۴۲). روشی که در اینجا برای تحلیل گویه‌ها به کار برده شده، مبتنی بر محاسبه ضریب روایی آلفای کرونباخ است. برای دسته اول گویه‌ها  $\alpha=0/81$  و برای دسته دوم  $\alpha=0/86$  محاسبه شد. پس از گردآوری اطلاعات با تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی ابعاد مختلف این گویه‌ها شناسایی شده و مورد بررسی قرار می‌گیرد (سرمد و همکاران، ۱۳۸۴).

### یافته‌های پژوهش

#### گونه‌شناسی گرایش‌های داوطلبانه در بین سالمندان/اهواری

برای سنجش گرایش‌های داوطلبانه افراد دو دسته گویه طراحی شده و بر اساس تکنیک تحلیل عاملی مدل اکتشافی ابعاد آن مورد بررسی قرار گرفته است. جدول شماره (۱) مربوط به دسته اول این گویه‌ها است و بر مفهوم کمک کردن و صرف زمان در فعالیت‌های جمعی و گروهی تاکید دارد. با وارد کردن این گویه‌ها در آزمون تحلیل عاملی این ۸ متغیر به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند.

جدول شماره (۱): ماتریس چرخش یافته اجزاء در تحلیل عاملی گویه‌های گرایش داوطلبانه

مؤلفه‌ها	گرایش‌های داوطلبانه (گروه محور)		
	۱	۲	۳
	۰/۸۱۷		
کمک به گروه یا تشکلی که برای زیباسازی شهر فعالیت می‌کنند.			
گرایش‌های داوطلبانه	۰/۸۱۷		
کمک به گروه یا تشکلی که برای ارتقای فرهنگ ترافیک فعالیت می‌کنند.			
شهروندی	۰/۷۶۷		
کمک به گروه یا تشکلی که برای حفظ محیط زیست فعالیت می‌کنند.			
کمک به گروه یا تشکلی که فعالیت فرهنگی هنری انجام می‌هد.	۰/۵۱۷		
کمک به گروه یا تشکلی که برای گسترش عدالت اجتماعی فعالیت می‌کنند.	۰/۸۴۵		
گرایش‌های داوطلبانه	۰/۷۸۲		
کمک به گروه یا تشکلی که برای گسترش آزادی عقیده و بیان کار می‌کنند.			
ارزش‌گرا یا آرمانی	۰/۶۲۱		
کمک به گروه یا تشکلی که فعالیت‌های مذهبی انجام می‌دهد.			
کمک به گروه یا تشکلی که برای توسعه علم و دانش فعالیت می‌کنند.	۰/۵۹۸		
گرایش‌های داوطلبانه	۰/۸۷۵		
کمک به اعضای خانواده‌ام تا در زندگی‌شان پیشرفت کنند.			
خاص‌گرایانه	۰/۸۰۵		
کمک به دوستانم برای این که به اهدافشان برسند.			

مطابق جدول فوق، متغیرهایی را که بر اساس بار عاملی در یک دسته قرار می‌گیرند؛ مشخص کرده و بر اساس یافته‌های آماری و ملاحظات نظری، دسته اول این متغیرها با عنوان گرایش‌های داوطلبانه شهروندی مفهوم‌سازی شد. گروه دوم گرایش‌های داوطلبانه ارزش‌گرا یا آرمانی و دسته سوم گرایش‌های



داوطلبانه خاص گرایانه عنوان گرفتند. این سه فاکتور در مجموع ۶۸/۴۵ درصد از واریانس کل را برآورد می‌کنند. دسته دوم گویه‌هایی هستند که بر گرایش‌های داوطلبانه‌ای تاکید می‌کنند که بیشتر آن‌ها مبنای فردی داشته ولی اهدافی معطوف به جمع (تولید خیر جمعی و کنش‌های مشارکتی عام‌المنفعه) دارند. در جدول شماره (۲) نحوه توزیع پاسخ‌های داده شده به گویه‌ها نشان داده شده است.

جدول شماره (۲): ماتریس چرخش یافته اجزاء در تحلیل عاملی گویه‌های گرایش داوطلبانه

مؤلفه‌ها		گرایش‌های داوطلبانه (گروه‌محور)
۲	۱	
۰/۸۰۳		شرکت در تجمع اعتراض‌آمیز برای احقاق حقوق مردم ایران.
۰/۷۸۹		شرکت در تجمع اعتراض‌آمیز برای احقاق حقوق اقلیت‌های دینی.
۰/۷۸۲		شرکت در تجمع اعتراض‌آمیز برای احقاق حقوق سالمندان
۰/۶۰۴		شرکت در تجمع اعتراض‌آمیز به تهاجم ناحق به یک کشور
۰/۸۹۹		کمک به گروه یا تشکلی که برای حمایت از کودکان بی‌سرپرست فعالیت می‌کند.
۰/۸۹۵		داوطلب‌شدن برای اعزام به یک منطقه زلزله‌زده یا سیل‌زده
۰/۷۶۳		داوطلب‌شدن برای حمایت از سالمندان ساکن در سراهای سالمندی
		گرایش‌های داوطلبی دیگرخواهی

گویه‌های دسته اول بر پایه ملاحظات نظری و آماری با عنوان گرایش‌های داوطلبانه اعتراضی یا رادیکال و گویه‌های دسته دوم با عنوان گرایش‌های داوطلبی دیگرخواهانه مفهوم‌سازی شدند. این دو فاکتور در مجموع ۶۹/۵۲۱ درصد از واریانس کلی تست را برآورد می‌کنند.

#### سرمایه اجتماعی و گرایش‌های داوطلبانه

آزمون‌های آماری ارتباط معنی‌داری را بین هر یک از گرایش‌های داوطلبانه با سرمایه اجتماعی تایید می‌کند. این ارتباط با جنبه کیفیتی روابط اجتماعی (هنجارها) در کلیه گرایش‌های داوطلبانه وجود داشت، در حالی که فقط گرایش‌های ارزشی، دیگرخواهانه و خاص‌گرایانه از ساختار روابط نیز متأثر است. در واقع گرایش خاص‌گرایانه تنها از طریق شبکه‌های غیر رسمی خانوادگی، خویشاوندی و دوستی (به غیر از شبکه‌های همسایگی) تقویت می‌شود. در حالی که گرایش‌های اعتراضی و دیگرخواهانه با گسترش شبکه‌های روابط مدنی و نهادی، تقویت می‌شود. یافته دیگری نشان می‌دهد درحالی که گرایش‌های داوطلبی شهروندی با هنجارهای اعتماد ارتباط دارد. در مقابل، گرایش‌های دیگرخواهانه و اعتراضی با هنجار عمل متقابل در ارتباط بودند و نه اعتماد. در این میان، داشتن روابط کاری با گرایش‌های داوطلبانه شهروندی و اعتراضی رابطه معنادار ولی منفی دارد. به این معنی که با گسترش یا افزایش روابط کاری، از این گونه گرایش‌ها کاسته می‌شود.

### سرمایه اجتماعی و کنش‌های داوطلبانه

مطابق مدل نظری تحقیق، سرمایه اجتماعی در دو بُعد ساختار روابط (شبکه‌ها) و کیفیت روابط (هنجارها) مفهوم‌سازی شده است که میزان آن در بین گروه سالمندان داوطلب با گروه گواه مقایسه شده است.

#### ساختار روابط (شبکه‌ها)

در حالی که در هیچ یک از ابعاد رابطه غیررسمی (شبکه‌های خانوادگی، خویشاوندی و دوستی) اختلاف معنی‌داری بین دو گروه داوطلب و غیرداوطلب وجود نداشت؛ لیکن میانگین‌های روابط رسمی دو گروه در تمام ابعاد اختلاف معنی‌داری با هم دارند. میانگین روابط مدنی گروه مبنا در بین سالمندان داوطلب از میانگین مربوط به سالمندان غیرداوطلب بیشتر است. از جمله مولفه‌های این بعد از روابط رسمی فرد، عضویت در تشکل‌های غیردولتی شهری و محله، عضویت در تشکل‌های غیرمحله و نیز عضویت‌های متداخل (عضویت در چند تشکل) بوده است. حدود ۲۷ درصد از کل سالمندان، داوطلب حداقل عضو یک NGO می‌باشند. آزمون‌های آماری ارتباط معنی‌داری را بین داوطلب بودن و عضویت در NGOها نشان می‌دهد. در دو مورد دیگر نیز این رابطه صادق است.

در مورد روابط مدنی فردی، سالمندان داوطلب از میانگین روابط مدنی فردی بالاتری از سالمندان غیرداوطلب بهره‌مندند. از جمله مولفه‌های مورد بررسی این بُعد، میزان شرکت افراد در تجمع و گردهمایی و دفعات شرکت در انتخابات بود که به لحاظ شرکت در تجمع‌ها و گردهمایی‌ها، سالمندان داوطلب میانگین بالاتری از سالمندان غیرداوطلب دارند. در مورد روابط نهادی فرد که شامل ارتباط داشتن و تعامل فرد با نهادهای حکومتی و غیرحکومتی از جمله تماس گرفتن یا نامه نوشتن به مسؤولین و یا شرکت در جلسات بررسی مشکلات می‌باشد؛ سالمندان داوطلب از سطح روابط نهادی بالاتری برخوردار بودند و در اکثر موارد فعالیت داوطلبان تا حد ۵۰ درصد از غیرداوطلبان بیشتر بوده است. هم‌چنین اگر بر اساس تعداد فعالیت‌هایی از این نوع افراد دو نمونه را با هم مقایسه کنیم؛ باز شاهد آن هستیم که افراد گروه داوطلبین اختلاف معنی‌داری با افراد غیرداوطلب در این زمینه دارند. متغیر مرتبط دیگر، سر و کار داشتن با یک نهاد حکومتی در رابطه با مشکلات مردم در ظرف ۶ ماه گذشته است. آزمون کای‌دو نیز معنی‌داری رابطه داوطلب بودن با ارتباط نهادی را در سطح ۹۵ درصد تایید می‌کند.

جدول شماره (۳): مقایسه میانگین ابعاد اصلی سرمایه اجتماعی در بین دو گروه آزمایش و گواه

ρ	t	میانگین سرمایه اجتماعی		ابعاد سرمایه اجتماعی
		غیرداوطلب	داوطلب	
۰/۹۷۶	۰/۰۳۱	۶۹/۶۴	۶۹/۷۱	شبکه‌های غیررسمی
			۸۲/۹۲	ساختار روابط (شبکه‌ها)
۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	۱/۹۵۲	۷۷/۳۲	شبکه‌های رسمی
		۳/۴۴	۱۰/۷۲	
۰/۱۵۶	-۱/۴۶	۴۲/۵۸	۴۰/۴۶	هنجار اعتماد
		۱/۹۵۲	۷۷/۳۲	کیفیت روابط (هنجارها)
۰/۷۹	۰/۰۰۵	۰/۲۷۶	۲۰/۸۷	هنجار بده و بستان
		۲۰/۸۷	۲۱/۰۸	

### کیفیت روابط

در مدل استون (۲۰۰۰ و ۲۰۰۱) در بعد کیفیت، روابط تاکید بر هنجارهای اعتماد و بده بستان است. در این مدل نیز ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. درحالی که میانگین اعتماد بین شخصی در دو گروه سالمندان داوطلب و غیر داوطلب اخلاف معناداری را نشان نمی‌دهد. در مورد اعتماد تعمیم یافته میانگین نمره سالمندان داوطلب بالاتر از میانگین اعتماد تعمیم یافته سالمندان غیرداوطلب است. اعتماد نهادی نیز پس از انجام آزمون عوامل بر روی گویه‌های ۱۳ گانه و به دست آوردن ابعاد آن در سه زمینه بررسی شده است. سالمندان داوطلب و غیرداوطلب تنها به لحاظ اعتماد نهادی به حکومت اختلاف معنی‌داری را در میانگین‌هایشان نشان می‌دهند. در این مورد میزان اعتماد سالمندان داوطلب به نهاد حکومت از میانگین اعتماد سالمندان غیرداوطلب به حکومت کمتر می‌باشد. هنجار عمل متقابل (بده بستان) با وجود این که مقدار میانگین بالاتری را در بین سالمندان داوطلب در مقابل غیرداوطلب دارد، ولی معنی‌داری این اختلاف توسط آزمون تی تایید نمی‌شود. درحالی که هنجارهای مخالف با عمل متقابل (هنجارهایی که بر خلاف اصول بده بستان است). به لحاظ نمره میانگین اختلاف معنی‌داری بین دو گروه داوطلب و غیرداوطلب دارد. در واقع هدف از تفکیک این دو بعد هنجار بده و بستان اندازه‌گیری همزمان نزدیکی افراد به هنجارهای عمل متقابل و دوری آن‌ها از هنجارهای ضد آن بود تا درک کاملی از میزان نزدیکی یا گرایش افراد به هنجارهای بده و بستانی سنجیده شود. یافته‌ها حاکی از آن‌اند که سالمندان داوطلب دوری بیشتری از هنجارهای ضد عمل متقابل دارند. نهایتاً با ترکیب خطی هر یک از ابعاد به ابعاد اصلی‌تر سرمایه اجتماعی می‌رسیم که در جداول بعدی ذکر شده است.

نتایج آزمون تی مندرج در جدول شماره (۳) نشان می‌دهد که سالمندان داوطلب و غیرداوطلب به لحاظ میانگین روابط در شبکه‌های رسمی اختلاف معنی‌داری با هم دارند. میانگین این روابط برای سالمندان داوطلب از میانگین این متغیر در بین سالمندان غیرداوطلب بالاتر است. در مجموع نتایج به دست آمده بیانگر این است که سرمایه اجتماعی در بین سالمندان داوطلب از میانگین این متغیر در بین سالمندان غیر داوطلب بالاتر است و اختلاف بین این دو میانگین هم به لحاظ آماری معنادار است. این امر مؤید فرضیه

مطرح شده در مورد بهره‌مندی بیشتر سالمندان داوطلب از سرمایه اجتماعی و نقش آن در بروز کنش داوطلبانه در ایشان است.

#### مقایسه میانگین ابعاد مختلف گرایش‌های داوطلبانه در بین دو گروه

سالمندان مورد مطالعه در دو گروه به لحاظ میانگین گرایش داوطلبانه به فعالیت‌های دیگرخواهانه و اعتراضی تفاوت معنی‌داری با یکدیگر دارند، به این معنی که سالمندان گروه آزمایش (نمونه داوطلب) در هر دو این موارد، میانگین گرایش بالاتری از سالمندان گروه گواه (نمونه غیرداوطلب) را به خود اختصاص می‌دهند.

جدول شماره (۴): مقایسه میانگین گرایش داوطلبانه در ابعاد مختلف در بین دو گروه آزمایش و گواه

$\rho$	t	میانگین نمرات		ابعاد گرایش‌ها داوطلبانه		
		سالمندان غیرداوطلب	سالمندان داوطلب	سالمندان غیرداوطلب	سالمندان داوطلب	
۰/۹۱۷	۰/۱۰۴	۱۲/۶۵	۸۵	۱۲/۷۱	۸۵	گرایش‌های داوطلبانه ارزشی
۰/۱۸۵	-۱/۳۳۱	۱۲/۸۴	۸۵	۱۲/۰۴	۸۴	گرایش‌های داوطلبانه شهروندی
۰/۰۱۹	۲/۳۶۱	۹/۳۵	۸۵	۱۰/۶۲	۸۵	گرایش‌های داوطلبانه دیگرخواهانه
۰/۰۰۵	۲/۸۶۸	۱۰/۱۷	۸۴	۱۱/۹۵	۸۴	گرایش‌های داوطلبانه اعتراضی
۰/۳۶۵	-۰/۹۰۸	۷/۶۳	۸۶	۷/۳۹	۸۶	گرایش‌های داوطلبانه خاص‌گرا

پنج گرایش به دست آمده در جدول شماره (۴) را با پاره‌ای ملاحظات مفهومی و نظری در جهت تحلیل و درک بهتر از مساله می‌توان به دو صورت ترکیب کرد. در حالت اول بر اساس نوع گرایش داوطلبانه مورد علاقه به لحاظ فردی یا جمعی (گروهی) بودن شکل مشارکت در فعالیت می‌توان آن‌ها را به دو دسته فعالیت گروه مبنا و فعالیت فرد محور تفکیک کرد. از طرف دیگر سه نوع اول این گرایش‌ها، بر اساس خصلت عام‌گرا بودن نوع فعالیت از گرایش‌های خاص‌گرایانه از یک سو و از گرایش‌های رادیکال از سوی دیگر قابل تفکیک است. تحلیل نتایج این دو نوع مفهوم‌سازی جدید نشان می‌دهد که میانگین گرایش‌های داوطلبانه سالمندان مورد مطالعه در دو گروه آزمایش و گواه بر حسب گروه/فردمحور بودن فعالیت داوطلبانه اختلاف معنی‌داری دارد. در حالی که بر اساس عام/خاص‌گرا بودن فعالیت تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

#### رابطه بین داوطلبی و متغیرهای زمینه‌ای

##### جنسیت

بررسی رابطه (پیوستگی) بین جنسیت سالمندان نمونه (متغیر مستقل) و وضعیت داوطلبی حاکی از ارتباط معنادار این دو متغیر با یکدیگر است. در این نمونه مردان بیش از زنان در امور داوطلبانه شرکت کرده‌اند. البته باید توجه داشت که این نتیجه در سطح کنشی به دست آمده است. درحالی که تحقیقات

انجام شده در خصوص رابطه جنسیت و گرایش به شرکت در امور داوطلبانه از جمله تحقیق فلانگن و همکاران (۱۹۹۸) که در میان بیش از ۵ هزار نوجوان ۱۲ تا ۱۸ ساله در ۷ کشور صنعتی و در حال گذرا انجام شده؛ حاکی از آن است که به طور میانگین زنان بیش از مردان به انجام فعالیت‌های داوطلبانه تمایل نشان داده‌اند (ذکایی، ۱۳۸۲: ۱۱).

بررسی گرایش‌های داوطلبانه بر اساس جنس در این پژوهش نیز موید این امر است که در زمینه گرایش‌های گروه‌محور و بالاخص گرایش در فعالیت‌های داوطلبانه شهروندی اختلاف معنی‌داری بین زنان و مردان وجود دارد و زنان سالمند در هر دو زمینه میانگین گرایش بالاتری به فعالیت از خود نشان داده‌اند (۰/۰۲۵). این در حالی است که مقایسه میانگین نمرات زنان و مردان در زمینه ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که مردان سالمند در زمینه داشتن روابط در شبکه‌های رسمی (روابط مدنی گروه/فرد مینا، روابط نهادی، روابط کاری) به طور کلی میانگین نمرات بالاتری را داشته‌اند (۰/۰۰۶). اختلاف در سطح کنش و گرایش را باید در ارتباط با سایر عوامل موثر و موانع احتمالی بروز این گرایش‌ها جستجو کرد. یک تبیین جانبدارانه زنان<sup>۱</sup> در این زمینه می‌تواند تفاوت بین ذهنیت و عمل را در زمینه‌های ساختی جامعه و سنت‌های فرهنگی آن جستجو کند که فرصت‌های بیشتری را در اختیار مردان قرار می‌دهد و در این زمینه در حق زنان تبعیض اعمال می‌کند.

### سن

تحقیقات متعدد نشان می‌دهند که افزایش سن با علاقه بیشتر به سیاست و مشارکت همبستگی دارد (ذکایی، ۱۳۸۲: ۲). در نمونه مورد مطالعه این تحقیق با افزایش سن، میزان گرایش‌های شهروندی و ارزشی کاهش می‌یابد. به طوری که گروه سنی ۶۰-۵۵ ساله در این دو گرایش نمره بیشتری از دو گروه سنی ۶۴-۶۱ و ۶۵ ساله به بالا را به خود اختصاص دهند.

### نحوه سکونت

استقلال نسبی حاصل از جدا زندگی کردن از فرزندان باعث آن می‌شود که سالمندان در تصمیم‌گیری‌ها به خود بیشتر اتکا کنند و با تبعات آن به صورت عینی‌تری مواجه شوند. این تحول بر شکل‌گیری گرایش‌ها و سوگیری‌های کنشی و ارتباطات افراد تاثیر می‌گذارد. مطابق تئوری پیوندهای ضعیف گرانووتر پیوندهای ضعیف با شبکه‌ها (در مقابل پیوندهای قوی، مثلاً با اعضای خانواده یا گروه بسته) باعث افزایش سرمایه اجتماعی کل می‌شود. هر چند بررسی نتایج این پژوهش در بعد کنشی هیچ رابطه معناداری را بین نحوه سکونت و وضعیت داوطلبی سالمندان تایید نمی‌کند. اما مقایسه میانگین گرایش‌های داوطلبانه کلی و گروه محور در بین افراد دو گروه

<sup>1</sup> Feminist View

اختلاف معنی‌داری را در این زمینه نشان داده است، به این معنی که سالمندانی که جدا از فرزندان خود زندگی می‌کنند؛ نمره میانگین بالاتری را در گرایش‌های داوطلبانه به خود اختصاص می‌دهند.

### قومیت

متغیر قومیت از چند جهت می‌تواند بر روی گرایش‌ها و کنش‌های داوطلبانه سالمندان تاثیرگذار باشد. از یک طرف وجود شکاف اجتماعی و احساس به بازی گرفته نشدن و تبعیض از طرف یک قوم غالب بر روی هویت‌یابی‌های افراد سایر اقوام و گرایش‌های آن‌ها تاثیرگذار بوده و از طرف دیگر تجربه تاریخی با عناصر موجود در یک فرهنگ قومی می‌تواند زمینه‌ساز این گرایش‌ها باشد. بررسی داده‌های این تحقیق رابطه معنی‌داری را بین قومیت و وضعیت داوطلبی نشان می‌دهد. در این تحقیق حدود ۵۸ درصد کسانی که فعالیت داوطلبانه داشتند؛ از بین سالمندان فارس بودند؛ در حالی که ۵۷ درصد کل نمونه را سالمندان فارس تشکیل می‌دهند. تبیین این امر می‌تواند بر اساس مباحث نظری که به ساخت فرصت‌های سیاسی و اجتماعی برای قومی و محتواهای فرهنگی آن‌ها در یک جامعه چند قومی اشاره دارد مطوف باشد. بررسی دقیق‌تر، این فرض را نیز مطرح می‌کند که ممکن است علاوه بر روابط قومی خاص که در ایران به نفع قوم فارس ساختار یافته تاثیر این متغیر از طریق اعتماد نهادی به حکومت قابل توضیح باشد. همان‌طور که در متن مقاله توضیح داده شد. تحقیقات ملی حاکی از آن است که فارس‌ها، کمترین میزان اعتماد به نهادهای حکومتی را در مقایسه با سایر اقوام ایران دارند، این متغیر در مورد سالمندان عرب در بالاترین سطح قرار دارد. در حالی که مشارکت در امور داوطلبانه در بین این دو قوم کاملاً رابطه‌ای معکوس دارد. یافته‌های ما در مورد اعتماد نهادی و جدایی‌گزینی اقوام کاملاً با یافته‌های تحلیل یوسفی در مورد اقوام ایران منطبق است (یوسفی، ۱۳۸۰: ۲۰۷).

### سواد و تحصیلات رسمی

آموزش و سواد رسمی بستری مهم در خلق و تداوم شکل‌گیری کنش‌های داوطلبانه و ارتباط با نهادهای رسمی و غیررسمی مولد و باز تولیدکننده سرمایه اجتماعی است. در این بررسی یکی دیگر از متغیرهای زمینه‌ای که فرض بر تاثیرگذاری آن بر ایجاد و تداوم بقای کنش‌های داوطلبی می‌رفت؛ به عنوان سواد و آموزش رسمی مطرح گردید. در نمونه‌های مورد مطالعه جالب توجه این‌که با افزایش سطح سواد اعضای جامعه آماری گرایش به فعالیت‌های شهروندی و ارزش‌ها و کنش‌های داوطلبانه کاهش می‌یابد. به طوری که طبق نتایج آزمون معنادار گروه‌های ناهمبسته مشاهده شد تمایزی بین گروه آزمایش و گواه از لحاظ مولفه سواد در کنش‌های داوطلبانه ملاحظه نگردید. اما میانگین نمره بالاتری در بین کم‌سوادان و بعد از آن در بین دارندگان مدرک تحصیلی ابتدایی و مقدماتی قدیم نسبت به سطوح تحصیلی بالاتر و دانشگاهی

کسب نمودند. این یافته با نتایج تحقیق اسدالهی مبنی بر کاهش مشارکت اجتماعی سالمندان با رشد سواد و تحصیلات در آن‌ها همسویی فراوانی دارد (اسدالهی، ۱۳۸۶).

### شاخص سلامت سالمند

سالمندی با کاهش و تحلیل قوای بدنی همراه بوده به طوری که طرح‌واره پیوند بین سالمندی و بیماری‌ها یک عقیده کلیشه‌ای در جامعه انسانی است. بدون توجه به درستی یا نادرستی این عقیده و نگرش اجتماعی؛ بیماری مزمن در اکثریت سالمندان شیوع بالایی داشته است. این امر زمینه ایجاد و طراحی دو رشته تخصصی در علوم با عنوان سالمندشناسی<sup>۱</sup> و در حوزه علوم پزشکی به نام طب سالمندی<sup>۲</sup> گردیده است. هر چند این گرایش پزشکی و متغیر اثرگذار در مطالعات نادر سالمندی در ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این متغیر به عنوان یک متغیر مستقل با متغیرهای بررسی‌شده‌اند. نتایج آزمون معناداری تی برای گروه‌های ناهمبسته نشان داد تمایزی بین گروه آزمایش و گواه از لحاظ ارتباط معنادار بین مولفه بیماری‌های مزمن و کنش‌های داوطلبانه ملاحظه نگردید. اما میانگین نمره بالاتری از کنش‌های داوطلبانه در بین سالمندان با بهداشت جسمانی و روانی بهتر وجود داشت. این نتیجه با نتایج تحقیق اسدالهی مبنی بر کاهش مشارکت اجتماعی سالمندان با گسترش بیماری‌های مزمن در آن‌ها همسویی فراوانی دارد (اسدالهی، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۳).

### بررسی نقش متغیرهای مستقل با آزمون تحلیل تشخیصی

در آزمون تحلیل تشخیصی با وارد کردن متغیرهای مستقل جنس، سواد، بیماری مزمن، سن، قومیت، نحوه سکونت و طبقه به همراه متغیر سرمایه اجتماعی (بر اساس ابعاد مختلف مدل استون) در آنالیز و استفاده از روش گام به گام و انتخاب معیار لامدای ویلکز برای ورود و خروج متغیرها، تابع تشخیص مناسب جهت تعیین نقش متغیرهای موجود در مدل نظری در توضیح کنش داوطلبانه به دست می‌آید. معادلات حاصل از تحلیل تشخیصی مربوط به این دو مدل که از ترکیب خطی متغیرهای مستقل به دست می‌آید؛ به ترتیب برای گروه آزمایش (سالمندان داوطلب):

$$Z = (39.646 + 0.215)X_1 - (9.488)X_2$$

می‌باشد که در آن سرمایه اجتماعی معادل  $X_1$  و سلامت سالمندی معادل  $X_2$  است و برای گروه گواه (سالمندان غیرداوطلب):

$$Z = (68.07 - 10.22)X_1$$

<sup>1</sup> Gerontology

<sup>2</sup> Geriatrics Medicine

می‌باشد که در آن، محل سکونت معادل X1 است. در مجموع می‌توان دید در سطح کنشی معادله‌ی به دست آمده از آنالیز تشخیصی که احتمال عضویت در یکی از گروه را بر اساس متغیرهای مستقل توضیح می‌دهد؛ نشان داده که به وسیله چهار متغیر باقی‌مانده در مدل، یعنی سلامت سالمندی، اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد به نهاد حکومت و شبکه روابط رسمی، می‌توان تا ۵۳/۴ درصد واریانس متغیر گروه‌بندی (داوطلبی) را پیش‌بینی کرد.

### بحث و نتیجه‌گیری

در برخورد جامعه ایران با پدیده مدرنیته غربی و شکل مستقر آن در نظام جهانی یعنی سرمایه‌داری در قرن گذشته و پیامدهای اجتماعی و هویتی آن در شکل گسترش نسبی فردگرایی و اتمیزه‌شدن جامعه و شخصی‌شدن گفت‌وگوها و پروژه‌های زندگی از یک‌سو و سنت‌های برج‌مانده از تاریخی پرآشوب و استبدادی که در دیالکتیکی از سازندگی و ویرانگری، همواره جامعه را دستخوش ناامنی و بی‌ثباتی عدم شکل‌گیری اخلاق مدنی و شهروندی و به تبع آن بی‌اعتمادی و ضعف در انباشت و حفظ سرمایه‌های اجتماعی کرده است؛ از سوی دیگر، روابط اجتماعی را به قهر در چارچوب‌های تنگ عرصه‌های خصوصی و خانوادگی فرو برده و ضعف نسبی جامعه مدنی را در پی دارد.

تجربه جدایی از محیط اجتماعی به علت کهولت سن و ناتوانی جسمانی که برای طیف وسیعی از سالمندان همزمان با تجربه جداشدن فرزندان و توأم با فرایندهای فردی شدن و استقلال نسبی است زمینه‌ساز جامعه‌پذیری مجدد و هویت‌یابی‌های جدیدی می‌شود که به نوبه خود از متغیرهای زمینه‌ای متأثر بوده و در مجموع باعث تغییر در نگرش‌ها و اولویت‌های کنشی و گرایش‌های ایشان می‌شود (اسدالهی، ۱۳۸۶). آن‌چه که موضوع این پژوهش بدان معطوف بوده، کنش‌ها و گرایش‌های داوطلبانه سالمندان است. مطابق یافته‌های این پژوهش، در مجموع در سطح بررسی ذهنی (گرایش‌ها) در ۵ زمینه مفهوم‌سازی شده؛ فعالیت‌های داوطلبانه شهروندی، آرمانی-ارزشی، رادیکال-اعتراضی، دیگرخواهانه و خاصگرایانه با متغیر سرمایه اجتماعی، که بر اساس مدل استون (۲۰۰۱) و مفهوم‌سازی وی از ساختار روابط (شبکه‌ها) و کیفیت روابط (هنجارها) سنجیده می‌شود، ارتباط معنی‌داری بین هر یک از گرایش‌های داوطلبانه با سرمایه اجتماعی تایید شد. این گرایش‌ها از متغیرهای زمینه‌ای نیز تاثیر می‌پذیرد. در سطح کنشی نیز ارتباط سرمایه اجتماعی با کنش‌های داوطلبانه از طریق یک طرح علی-مقایسه‌ای بررسی شد، یافته‌ها موید تاثیرگذاری سرمایه اجتماعی در بروز کنش داوطلبانه است. بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که جنبه ساختاری روابط اجتماعی است که با کنش داوطلبانه رابطه دارد. گروه داوطلبان در شبکه روابط رسمی اعم از روابط مدنی و نیز روابط نهادی، نمره بالاتری از گروه غیرداوطلبان دارند و این امر تاثیرگذاری این گونه روابط را در بروز رفتار داوطلبانه افراد تایید می‌کند. در بعد هنجاری نکته بسیار جالب توجه، اختلاف معنی‌دار دو گروه در اعتماد به



نهادهای حکومتی است. نتایج حاکی از آن بوده که گروه سالمندان داوطلب اعتماد کمتری به نهادهای حکومتی دارند.

از طرف دیگر کنش‌های داوطلبانه از متغیرهای زمینه‌ای نیز تاثیر می‌پذیرند. مقایسه بین دو سطح کنشی و گرایش‌های نشان می‌دهد سالمندانی که در امور داوطلبانه شرکت می‌کنند؛ کسانی هستند که گرایش‌های اعتراضی رادیکال بالاتری داشته و از اعتماد کمتری به نهادهای حکومتی برخوردارند. بین این دو گروه سالمندان به لحاظ گرایش‌های دیگرخواهانه نیز اختلاف معنی‌داری وجود داشته و داوطلبان دیگرخواه‌ترند. سالمندان داوطلب هم-چنین به لحاظ سابقه عضویت در تشکلهای مدنی و محلی، اختلاف معناداری با دیگر سالمندان دارند. سرانجام این یافته‌ها نشان می‌دهند که بهره‌مندی از سطوح بالاتر سرمایه اجتماعی در حالی که در بعد هنجاری مقوم گرایش‌های داوطلبانه است، در بعد ساختاری زمینه‌های بروز آن را در شکل کنش‌های داوطلبانه تسهیل می‌کند. باید یادآور شد که اصطلاح داوطلبی، در نوع خود مفهومی سهل و ممتنع است. چرا که علاوه بر معنای کلی و احتمالاً مشترکی که از یک سری اعمال و حالات به ذهن متبادر می‌کند، در بردارنده مولفه‌های رقیب و گاه متعارض است. آنچه در این پژوهش مدنظر بود، در نظر گرفتن داوطلبی به عنوان ویژگی فردی یا گروهی است که می‌تواند در گرایش‌ها و کنش‌های افراد برای عمل در جامعه مدنی پدید آید. از طرفی داوطلبی، علاوه بر تبیین‌های روان‌شناختی یا اقتصادی می‌تواند تغییرپذیری ساختی (ساختار روابط اجتماعی) را نشان دهد و لذا می‌تواند با رویکردی جامعه‌شناختی و در ارتباط با روابط و هنجارهای اجتماعی تبیین شود. این جاست که از مفهوم سرمایه اجتماعی که به عنوان ابزار تحلیلی مناسبی در حوزه عمومی مطرح است؛ استفاده می‌شود. سرمایه اجتماعی غالباً به مفهوم ویژگی خاص از یک جامعه یا گروه اجتماعی است که ظرفیت سازماندهی جمعی و داوطلبانه برای حل مشکلات متقابل یا مسائل عمومی را دارند. البته رویکرد این تحقیق مبتنی بر بررسی این ویژگی در سطح افراد سالمند است.

آنچه که بلافاصله هر پژوهش تجربی در زمینه سرمایه اجتماعی با آن مواجه می‌شود. تفکیک ویژگی‌های متمایز سرمایه اجتماعی از مفاهیمی مثل دیگرخواهی، داوطلبی و سایر مفاهیم مشابه است که در این پژوهش علاوه بر ملاحظات مفهومی و نظری، انتخاب مدل سنجش استاندارد استون (۲۰۰۱) این امر را تا حدودی تضمین کرده است. در سطح نظری یافته‌های این پژوهش موید تمایز میان کنش خنثی برای اقدام و عمل جمعی در برابر کنش هنجاری است. همچنان که صاحب‌نظران کلاسیک در ادبیات سرمایه اجتماعی اذعان دارند، هر ترکیبی از شبکه‌های متراکم و هنجارهایی که اقدام جمعی را سازمان می‌دهد؛ لزوماً به انباشت سرمایه اجتماعی در جامعه مدنی منجر نمی‌شود - اعتماد بالا یا هنجارهای قوی بده و بستان در شبکه‌های مافیایی یا نژادی یک نمونه بارز آن است - لذا تنها آن‌گونه خاصی از کنش‌ها را مقوم سرمایه اجتماعی در جامعه مدنی می‌دانند که به تقویت ارزش‌های مدنی و دمکراتیک و بسط کنش‌های اخلاقی بیانجامد.

از سوی دیگر بر خلاف اکثر پژوهش‌های سرمایه اجتماعی و از جمله پژوهش‌های رابرت پاتنام (که تاکید بر سرمایه اجتماعی در آن‌ها همیشه از نظر سیاسی محافظه‌کارانه است و افزایش سرمایه را تنها با سطح بالای

اعتماد مردم، از جمله اعتماد بالای شهروندان به نهادهای حکومتی و سیاسی، وابسته می‌داند. یافته‌های این پژوهش بیشتر منطبق با استدلال به کار رفته در آثار ادواردز و فولی (۱۹۹۷) است که در آن دموکراسی به عنوان «نهادینه‌سازی بی‌اعتمادی» تعبیر می‌شود. بر اساس این دیدگاه در جوامع بزرگ و پیچیده که اکثر شهروندان آن غریبه هستند؛ دلیل چندانی برای اعتماد به نخبگان، مقامات حکومتی یا غریبه‌ها وجود ندارد. مگر این که راهکارهای نهادینه‌ای وجود داشته باشد که مانع از سیاست‌ها یا اقداماتی شود که هر فردی را با خطر مواجه می‌سازد؛ تنها در این صورت می‌توان اعتماد موقت ایجاد کرد.

نهایتاً باید یادآور شد که این پژوهش رویکرد خاصی به سرمایه اجتماعی را برگزیده است که آن را سرمایه‌ای مفید به شکل کالایی عمومی که تسهیل‌کننده و مولد عمل جمعی و مولد جامعه مدنی است؛ می‌داند. بدیهی است که این تنها رویکرد به سرمایه اجتماعی نیست. حداقل دو رویکرد دیگر به سرمایه اجتماعی را می‌توان بر شمرد که کلیه انتقاداتی که از منظر آن‌ها به رویکرد این پژوهش وارد می‌شود را باید مورد توجه قرار داد. در یکی از این رویکردها که دیدگاهی انتقادی به سرمایه اجتماعی و کل جامعه دارد؛ اصولاً هر شکل سرمایه می‌تواند در خدمت بازتولید وضع نامطلوب موجود قرار گرفته و در راستای تضادهای موجود در جامعه عمل کند. در این رویکرد، سرمایه اجتماعی فقط در حوزه جامعه مدنی مفهوم‌سازی نمی‌شود و عملکرد این سرمایه را بسته به چگونگی سازماندهی جامعه با معیار عدالت قابل بررسی می‌دانند. رویکرد دیگر، دیدگاهی محافظه‌کارانه به سرمایه اجتماعی است که آن را کالایی خصوصی و دارای کارکردهای مثبت و منفی می‌داند. این رویکرد نیز مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی با اعمال جمعی و خیر عمومی را از منظری دیگر با دیده تردید می‌نگرد.

### تشکر و قدردانی

در انجام این پژوهش کارکنان مراکز تابعه بهزیستی شهرستان اهواز به ویژه سرکارخانم نسرین فرجی و سازمان بهزیستی استان خوزستان، معاونت پیشگیری، در حوزه مراقبت‌ها و خدمات به سالمندان، هم‌چنین تعدادی از دانشجویان علاقه‌مند دانشگاه جامع علمی کاربردی خوزستان، همکاری ثمربخشی داشته‌اند؛ پژوهشگران در این‌جا از تمام این عزیزان قدردانی می‌نمایند.

## منابع

- اسداللهی، ع. (۱۳۹۰). *مشارکت اجتماعی سالمندان خوزستانی در جامعه و عوامل موثر بر آن*. گزارش یک طرح پژوهشی. شماره الف/۱۲/۱۳۸۷. اهواز: دانشگاه جامع علمی کاربردی واحد خوزستان.
- بیرو، آ. (۱۳۸۲). *فرهنگ توصیفی علوم اجتماعی*. ترجمه: ب، ساروخانی. تهران: نشر اطلاعات.
- پاتنام، ر. (۱۳۸۰). *دمکراسی و سنت‌های مدنی؛ تجربه ایتالیا و درس‌هایی برای کشورهای درحال‌گذار*. ترجمه: م، دلفروز. تهران: نشر روزنامه سلام.
- تاجبخش، ک؛ و دیگران. (۱۳۸۲) *بررسی مقدماتی کاربرد نظریه سرمایه اجتماعی در تحلیل وضعیت تامین اجتماعی در ایران*. گزارش شماره ۱۰۷، ناشر: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی.
- خاندوری، الف. (۱۳۸۳). *اندیشه‌های اقتصادی بر محور سرمایه اجتماعی*. *مجله راهبرد*. شماره ۳۳. دلاور، ع. (۱۳۸۴). *احتمالات و آمار کاربردی*. تهران: انتشارات رشد. چاپ دهم.
- دلاور، ع. (۱۳۸۰). *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*. تهران: انتشارات رشد. دورانت، و. (۱۳۸۰). *تاریخ تمدن*. تهران: نشر امیرکبیر. جلد سوم.
- ذکایی، م. (۱۳۸۱). گذر به بزرگسالی و جوانی رو به تغییر. *مجله جامعه‌شناسی ایران*. دوره ۴، شماره ۳، ناشر: انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- ذکایی، م. (۱۳۸۲). جوانان، شهروندی و ادغام اجتماعی. *فصلنامه مطالعات جوانان*. شماره ۳ و ۴، ناشر: انتشارات دانشگاه تهران.
- ذکایی، م. (۱۳۸۰). اخلاق شهروندی: رابطه هویت‌یابی جمعی و ارزش‌های دیگرخواهانه. *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران (۳)*. (ویژه مقالات همایش مسائل اجتماعی ایران). تهران: نشر آگاه.
- رفیع پور، ف. (۱۳۸۴). *کندوکاوها و پنداشته‌ها*. تهران: شرکت سهامی انتشار. چاپ سوم.
- روشنفکر، پ؛ و دیگری. (۱۳۸۵). جوانان، سرمایه اجتماعی و رفتارهای داوطلبانه. *فصلنامه رفاه اجتماعی*. سال ششم، شماره ۲۳، تهران: دانشگاه علوم توانبخشی و بهزیستی.
- ساروخانی، ب. (۱۳۸۲). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران: نشر دیدار. جلد سوم، چاپ سوم.
- سرم، ز. و دیگران. (۱۳۸۳). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: نشر آگاه. چاپ سوم.
- شارع پور، م. (۱۳۸۰). فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن. *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*. سال اول، شماره سوم، ناشر: انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- متوسلی، م؛ و دیگری. (۱۳۸۲). رویکردی به ارزیابی سرمایه اجتماعی در اقتصاد ایران. *مجله برنامه و بودجه*. شماره ۷۵، ناشر: سازمان توسعه منابع انسانی ریاست جمهوری.
- یوسفی، ع. (۱۳۸۰). طبقه‌بندی اجتماعی اقوام ایران. *فصلنامه مطالعات ملی*. سال سوم، شماره ۹، ناشر: دبیرخانه شورای امنیت ملی.
- Ardener, S. (1964). The Comparative Study of Rotting Credit Associations. *Journal of the Royal Anthropological Institute of Great Britain and Ireland*. No. 94.
- Asadollahi, A. (2011). Social Participation and General Health of Aged Citizens in Khuzistan Province (Iran): Literature, Factors, and Obstacles. *World Applied Science Journal*. 13(6), P.p: 22- 1512.
- Asadollahi, A., Fanisaberi, L. & Hoseinzadeh, A. (2013). An Analysis of Inequality of Public Sphere and Health Status of Aging Communities in Khuzistan Province, Iran. *The Journal of Nutrition, Health & Aging*. 17(1):378.
- Banfield, E. C. (1985). *Moral Basic of a Back Ward Society*. Chicago: the Free Press.
- Furlong, A. & Carmel, F. (1997). *Young People and Social Capital*. Buckingham: Open University press.

- 
- Stone, W. (2001). **Measuring Social Capital: Toward Theoretical Informed Measurement Framework for Researching Social Capital in Family and Community Life in Australia.** (Rep. No. 24). Melbourne: Australian Institute of Family Studies.
- Stone, W. & Hughes, J. (2002). **Measuring Social Capital.** Australian Institute of Families Studies. Available at: [www.aifs.gov.au/institute/pubs/stone,2002.pdf](http://www.aifs.gov.au/institute/pubs/stone,2002.pdf). Updated: 12.8.2010.
- Stone, W. & Hughes, J. (2002a). **Measuring Social Capital: toward a standardized approach.** In international Australian evaluation society Melbourne: Australian Institute of Family Studies.
- Stone, W. & Hughes, J. (2002b). **Social Capital, Empirical Meaning and Measurement Validity.** Australian Institute of Families Studies. Available at: [www.aifs.gov.au/institute/pubs/stone.pdf](http://www.aifs.gov.au/institute/pubs/stone.pdf). Updated: 2.8.2010.
- Uslaner, J. (1999). **Trust but Verify, Social Capital and Moral Behavior.** Washington: Social Science Press.
- Uslaner, J. (2001). **Social Capital Participation in Everyday Life.** London: Rutledge.